



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی

اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

سری گزارش‌های تحلیلی اقتصاد استان خراسان جنوبی

عنوان گزارش

تحلیل راهبردی وضعیت مناطق مرزی استان خراسان جنوبی بر

اساس مدل SWOT

معاونت اقتصادی - دی ماه ۱۴۰۲

به نام خدا

شناسنامه گزارش

تحلیل راهبردی وضعیت مناطق مرزی استان خراسان جنوبی بر اساس مدل
SWOT

عنوان گزارش

اداره کل امور اقتصادی و دارایی خراسان جنوبی

مجری

محسن مودی

مدیر طرح

حسین شرفی، یعقوب فاطمی زردان

همکاران

تاریخ انتشار

فهرست مطالب

چکیده.....	۵
۱. مقدمه.....	۶
۲. ضرورت و بیان مساله.....	۸
۳. تعریف واژگان.....	۹
۴. مبانی نظری.....	۱۰
۴-۱. سازمان ها و نظریه ها مرتبط با تجارت.....	۱۰
۴-۲. روابط اقتصادی-تجاری استان خراسان جنوبی و افغانستان.....	۱۳
۵. مطالعات و پیشینه تحقیق.....	۱۴
۶. روش تحقیق.....	۱۶
۷. نتایج پژوهش.....	۱۷
الف) نقاط قوت.....	۱۷
ب) نقاط ضعف.....	۱۸
ج) فرصت ها.....	۱۹
د) تهدیدها.....	۲۰
۸. نتیجه گیری و ارائه توصیه های سیاستی.....	۲۱
منابع و مآخذ.....	۲۳

فهرست جداول

- جدول (۱) ماتریس عوامل داخلی نقاط قوت ۱۷
- جدول (۲) ماتریس عوامل داخلی نقاط ضعف ۱۸
- جدول (۳) ماتریس عوامل خارجی فرصت‌ها ۱۹
- جدول (۴) ماتریس عوامل خارجی تهدیدها ۲۰

فهرست نمودارها

- نمودار (۱) سهم ارزشی صادرات به کشورهای هدف صادراتی استان ۱۴
- نمودار (۲) وضعیت راهبردی استان خراسان جنوبی در مناطق مرزی ۲۱
- نمودار (۳) استراتژی‌های نهایی برنامه ریزی توسعه مناطق مرزی استان خراسان جنوبی با توجه به مدل SWOT ۲۲

تحلیل راهبردی وضعیت مناطق مرزی استان خراسان جنوبی بر اساس مدل SWOT

چکیده

مرز و تغییرات شرایط اقتصادی مرزنشینان از اصلی ترین موضوعات مورد بررسی سیاست گذارن می باشد. مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی های خاصی برخوردارند. وجود مبادلات تجاری و پیوندهای فضایی دو سویه مرزی بین کشورهای مجاور و آسیب پذیری و تهدید های مختلف امنیتی و اقتصادی در این مناطق اهمیت ویژه ای در فرآیند برنامه ریزی های توسعه به مناطق مرزی داده است. توسعه مبادلات تجاری مرزی و برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه می تواند به امرار معاش مردم مرزنشین کمک کند و از این طریق مردم ساکن در نواحی مرزی کشورهای همسایه می توانند در کنار هم و با هم از فرصت ها و منابع مشترک استفاده نمایند که این امر می تواند منجر به استمرار و پایداری دوستی و تفاهم طرفین، امنیت و رونق اقتصادی و توسعه، ایجاد فرصت های شغلی و شکل گیری یک نوع مزیت نسبی در مناطق مرزی گردد. علیرغم ظرفیت ها و توانایی های موجود در مناطق مرزی مخصوصا مرز خراسان جنوبی، هنوز از کلیه پتانسیل ها استفاده نگردیده است و ظرفیت های اقتصادی زیادی خالی مانده است. این در حالی است که در صورت بی توجهی به نواحی مرزی شاهد چالش های عمده ای مانند تخلیه مناطق مرزی از جمعیت و ضعف امنیت خواهیم شد. از این رو هدف این پژوهش بررسی شرایط اقتصادی مناطق مرزی خراسان جنوبی می باشد. بدین منظور، برای استخراج عوامل داخلی و خارجی اثرگذار بر وضعیت مناطق مرزی، از مدل SWOT استفاده شد. بر این اساس، ابتدا نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها مناطق مرزی شناسایی و سپس به کمک ماتریس SWOT رتبه بندی و استراتژی برتر شناسایی گردید. نتایج پژوهش نشان داد که نمره نهایی شاخص نقاط قوت ۳۰۸، نقاط ضعف ۲۸۷، فرصت ها ۳۱۲ و تهدیدها ۳۰۴ به دست آمده است که با توجه به بالا بودن عدد مربوط به نقاط فرصت و قوت (عدد ۳۱۲ و ۳۰۸) رویکرد فعلی نسبت به مناطق مرزی یک رویکرد SO (تهاجمی) می باشد. با توجه به این رویکرد آنچه که باید برای آن برنامه ریزی گردد تقویت نقاط قوت و در عین حال استفاده بهینه از فرصت های موجود در مناطق مرزی استان خراسان جنوبی می باشد. در نهایت بر اساس نتایج حاصله، برای هر استراتژی پیشنهادهایی در جهت بهبود شرایط اقتصادی مناطق مرزی استان خراسان جنوبی ارائه گردید.

واژگان کلیدی: مرز، تجارت، مدل SWOT، استان خراسان جنوبی.

۱. مقدمه

کشور افغانستان با حدود ۶۵۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و تقریباً ۴۰ میلیون نفر جمعیت جایگاه و اهمیت ویژه ای به لحاظ ژئواکونومی و ژئواستراتژیکی در بین همسایگان ایران دارد. خط مرزی ایران و افغانستان از دهانه ذوالفقار در شمالی‌ترین نقطه تا ملک سیاه کوه جنوبی‌ترین نقطه آن با درازای ۹۴۵ کیلومتر کشیده شده است.^۱ این کشور، محصور در خشکی است و به مسیرهای آبی دسترسی ندارد اما از گذشته در قلب جاده ابریشم قرار داشته است. بر اساس سند استراتژی توسعه ملی افغانستان، این کشور به منظور دستیابی به نرخ رشد اقتصادی پایدار ناگزیر به ادغام در اقتصاد جهانی است و به این منظور گام نخست در این سند، عضویت در سازمان تجارت جهانی ذکر شد.

نزدیکی افغانستان به مناطق بحرانی و ناآرام همچون خاورمیانه، مرزهای هند و پاکستان به این کشور جایگاه خاصی بخشیده است. در واقع، این نقش در گذر زمان در حال افزایش نیز هست. گسترش مبادلات آسیای مرکزی، جنوبی و شرقی اهمیت دو چندان را به افغانستان به عنوان حد واسطه این کشورها برای دسترسی به بازارهای بین‌المللی موجب شده است. روابط راهبردی با افغانستان می‌تواند مرزهای ایران را عملاً تا چین برساند. در عین حال افغانستان به عنوان یک مانع توسعه منطقه و ایران و همسایگان آن تبدیل شده است. افغانستان منبع و سرچشمه تولید ناامنی، مواد مخدر و تروریسم در منطقه شده است. رقابت بر سر نفوذ در افغانستان همواره وجود داشته است و مجموعه این عوامل و رقابت قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای منجر به تداوم جنگ در افغانستان گردیده است.

با این حال، دو کشور ایران و افغانستان مشترکات بسیاری از جمله زبان، پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی و گاه دشمنان مشترک داشته‌اند. به طوری که امنیت و ثبات یکی، به دیگری وابسته است. بنابراین با توجه به اینکه افغانستان از جمله اقتصادهای در حال توسعه است، لذا به دلیل همسایگی و تشابهات فرهنگی و اشتراکات تاریخی و جغرافیایی با ایران و همچنین وجود منابع طبیعی غنی، وجود روابط تجاری می‌تواند برای هر دو کشور سودمند باشد. بیشترین کالای صادراتی افغانستان شامل محصولات گیاهی، مواد معدنی، منسوجات، فلزات، پوست حیوانات، ماشین‌آلات، محصولات حیوانی، مواد غذایی، فلزات گرانبها، سازه‌ها، مواد شیمیایی، حمل و نقل، پلاستیک و لاستیک، کفش و کلاه و محصولات چوبی می‌باشد و بیشترین کالای وارداتی افغانستان نیز شامل محصولات گیاهی، حمل و نقل، مواد غذایی، ماشین‌آلات، منسوجات، مواد معدنی، مواد شیمیایی، فلزات، محصولات حیوانی، پلاستیک و لاستیک، محصولات چوبی، کفش و کلاه، سازه، متفرقه، کالای کاغذی، سنگ و شیشه، فلزات گرانبها و اسلحه بوده است.^۲ در سال ۲۰۲۱ عمده‌ترین صادرکنندگان کالا به کشور افغانستان به ترتیب کشور ایران (۳۲٪)، پاکستان (۱۵٪)، هند (۱۲٪) و چین (۸٪) و بزرگترین مقصد کالاهای صادراتی افغانستان به ترتیب پاکستان (۴۲٪) و هند (۳۷٪) هستند که سهم ایران در این مورد کمتر از ۱٪ می‌باشد.^۳

^۱ . سالنامه آماری کشور ۱۳۸۶، طول خطوط مرزی ایران - مرکز آمار ایران.

^۲ . <https://ixport.ir/business-afghanistan/>

^۳ . www.trademap.org

محصولات ایرانی در افغانستان به لحاظ کیفیت مرغوب، رعایت بهداشتی و نحوه بسته بندی مناسب کالا و درج تاریخ مصرف کالا، جایگاه خاص خود را دارند و افغان ها به علت زندگی در ایران به کالاهای ایرانی آشنائی کامل داشته و ترجیح می دهند محصولات ایران (خصوصاً مواد غذایی) را تهیه کنند. کشور افغانستان تولیدات صنعتی کمی دارد و میتوان گفت بیش از ۹۰ درصد نیازهایش را از طریق کشورهای دیگر تأمین می کند، به ویژه از کشورهای همسایه، کالاهای ارزان قیمت چینی بازارهای افغانستان را پر کرده است و مردم به دلیل ارزانی، سعی می کنند که کالای چینی خریداری کنند. اجناس ساخت پاکستان، ایران و ترکیه (بیشتر در زمینه پوشاک و مواد غذایی) نیز فراوان است.^۱

با توجه به پژوهش های مختلف، به دلیل ارزان بودن مواد نفتی و مشتقات آن، ایران در بسیاری از کالاها نسبت به افغانستان دارای برتری و مزیت نسبی می باشد که می تواند از این طریق بازار این کشور را تصاحب کند. از جمله این کالاها به ترتیب می توان به گروه شوینده ها (شامل پودر لباسشویی، مایع ظرفشویی، شامپو و صابون)، گروه مواد غذایی (شامل انواع نوشابه، کنسرو، ماکارونی، ترشی جات و مربا)، گروه مصالح ساختمان (شامل انواع کاشی و سرامیک، سیمان، شیرآلات و سرویسهای بهداشتی، لوله پولیکا و سینک ظرفشویی)، گروه داروئی (شامل انواع قرص و کپسول و شربت)، گروه پلاستیک (شامل انواع ظروف ملامین و پلاستیکی)، انواع سوخت و مایع و گاز و انواع موکت و فرش ماشینی اشاره کرد.^۲

با این حال کشور افغانستان نیز در برخی موارد نسبت به کشور ایران دارای برتری و مزیت هایی می باشد که تعامل و مبادلات این دو کشور می تواند برای ایران سودمند باشد. یکی از مهم ترین برتری های کشور افغانستان نسبت به ایران در حوزه تجارت می توان به عضویت کشور افغانستان در سازمان تجارت جهانی^۳ اشاره کرد. این کشور بعد از حدود ۱۲ سال (۲۰۰۴) عضویت ناظر در سازمان تجارت جهانی سرانجام در ۲۹ جولای ۲۰۱۶ به عضویت این سازمان پذیرفته شد. گسترش روابط با کشور افغانستان در سایه عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی می تواند به تأمین مالی کشور در شرایط تحریمی کمک به سزایی کند. در حقیقت، استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه یکی از مسائل با اهمیت در مبادلات اقتصادی ایران در شرایط تحریم بوده است و در این میان کشور افغانستان به دلیل اشتراکات فرهنگی و زبانی و نیز دارا بودن وضعیت اقتصادی خاص از اهمیت و جایگاه ویژه ای در مبادلات اقتصادی ایران برخوردار است. ایران می تواند با سرمایه گذاری در این کشور و تولید کالا و خدمات بخش زیادی از بازارهای این کشور را تصاحب و از امتیازات عضویت این کشور در WTO در مبادلات تجاری بهره گیرد و بخش زیادی از تنگناهای مالی خود را مرتفع سازد. البته این موضوع صرفاً به حوزه کالا و خدمات محدود نمی شود و می تواند از طریق سرمایه گذاری فنی و تکنولوژی، زیرساختی، امنیتی و غیره نیز گسترش یابد. مسلماً نیروی کار ارزان تر در این

^۱. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان؛ گزارش: «بررسی فرصت های تجارت بین الملل با کشور افغانستان».

^۲. راهنمای جامع تجارت با افغانستان (<https://ixport.ir/business-afghanistan/>) و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان؛ گزارش: «بررسی فرصت های تجارت بین الملل با کشور افغانستان».

^۳. World Trade Organization

کشور خیلی از هزینه ها را نیز کاهش خواهد داد. از آنجا که کشور افغانستان بیش از ۹۰ درصد نیازهای خود را از کشورهای همسایه اش تامین می کند، می تواند نقش مهمی را به عنوان کشور مقصد برای صادرات ایران داشته باشد. بعباتی دیگر، اگر نگاهی به پتانسیل های توسعه دوجانبه روابط ایران و افغانستان داشته باشیم، یکی از مهم ترین مزیت های تجاری، استعداد جمعیتی کشور افغانستان است. در سال ۲۰۲۲، جمعیت این کشور حدود ۴۰ میلیون نفر برآورد شده است. در این میان، اگرچه افغانستان روحیه مصرف گرایی کمی دارد، اما به واسطه عدم توسعه بخش تولیدی و صنعتی و همچنین متنوع نبودن اقتصاد آن، باعث شده تا سهم زیادی از کالاهای مصرفی خود را از طریق واردات تأمین نماید. این در حالی است که ایران نه تنها از لحاظ صنعتی توانایی تأمین بسیاری از نیازهای جامعه افغانستان را با قیمتی مناسب دارد، بلکه مردم افغانستان نیز به دلیل تجربه مهاجرت و زندگی در ایران، تمایل زیادی به استفاده از کالاهای ایرانی دارند. علاوه بر این، در اقتصاد سنتی افغانستان، کنترل قاچاق ارز دشوار است. این مسئله رصد معاملات ارزی افغانستان با ایران از سوی آمریکا را با دشواری مواجه می کند و تجارت با افغانستان می تواند راهی برای تأمین ارز مورد نیاز کشور در شرایط تحریمی باشد. همچنین، افغانستان می تواند دروازه ورود ایران به آسیای مرکزی، شرقی و جنوبی عمل کند.

بنابراین با توجه به اینکه تا چند دهه آینده افغانستان کشوری جوان خواهد بود، لذا برای پاسخگویی به نیازهای رو به رشد این جمعیت، نیازمند توسعه همکاری در حوزه های مختلف با کشورهای همسایه اش به ویژه ایران است.^۱ مسلماً این موارد باعث افزایش صادرات غیرنفتی، توسعه مناطق مرزی و افزایش درآمد و کاهش بیکاری در این مناطق خواهد شد. از این رو، با توجه به اهمیت بالای مباحث مطرح شده، هدف این پژوهش بررسی ظرفیت ها و چالش های موجود در مرز استان خراسان جنوبی و افغانستان از لحاظ اقتصادی می باشد.

۲. ضرورت و بیان مساله

افغانستان یکی از کشورهای جهان است که محاط به خشکی بوده و هیچ دسترسی به آب های آزاد ندارد. این امر باعث گردیده است تا در تجارت و بازرگانی بیشتر به همسایه های خود متکی باشد. از طرف دیگر این کشور در دهه های اخیر همواره محل نزاع و درگیری قدرت های مختلف و گروه های نظامی افراطی بوده است. بنابراین اقتصاد این کشور همواره از جنگ تاثیر گرفته است. براساس گزارش بانک جهانی، کشاورزی اساس اقتصاد افغانستان را تشکیل داده^۲ و ۶۰ درصد خانواده ها عوایدشان را از این راه به دست می آورند و سهم صنعت در اقتصاد این کشور به علت نبود زیر ساخت های لازم بسیار کم رنگ است. به همین دلیل سهم تولیدات داخلی در تجارت این کشور بسیار کم بوده و اکثر کالای مورد نیاز خود را از خارج تأمین می کند. از طرفی، ایران نیز یکی از معدود کشورهای جهان است که اختلافات بسیار شدید در مسایل مختلف با آمریکا و قدرت های غربی دارد. این اختلاف ها باعث شده است که هدف تحریم های آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گیرد. وضع تحریم های اقتصادی باعث

^۱ . ماهنامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی جمهوری اسلامی ایران - سال هشتاد و هشتم - شماره ۱۱۵ (دوره جدید) - مردادماه ۱۳۹۷ صفحات: ۲۸-۲۹
^۲ . worldbank.org-۲۰۲۰

گردیده است که مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری آن، دچار انواع مشکلات و موانع گردد. در فرایند تحریم های اقتصادی، شواهد حاکی از آن است که ایران با تغییر ساختار تجارت خارجی و از طریق افزایش تجارت با کشورهای نظیر چین، هند، افغانستان و سایر کشورهای که تحت تحریمهای اقتصادی آمریکا قرار ندارند و به هر دلیل تحریم های اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا را در مناسبات تجاری خود با ایران لحاظ نمی کنند، کوشیده‌اند به طور نسبی، با دور زدن تحریم ها، جریان کالاهای ضروری را برای رشد و توسعه اقتصادی خود تا حد ممکن حفظ نمایند(مهرگان و همکاران، ۱۴۰۱) که این موضوع باعث می‌شود ایران به سمت تجارت با این کشورها سوق پیدا کند.

از سوی دیگر، تداوم فقر و ناامنی و بی ثباتی سبب توسعه و گسترش ناامنی و بی ثباتی در نواحی مرزی کشور می‌شود و ناامنی اجتماعی و اقتصادی را برای مردم ایران و افغانستان به دنبال خواهد داشت. حضور شرکت های خارجی برای سلطه بر منابع معدنی و طبیعی افغانستان و تلاش آمریکا برای ایجاد یک مسیر خط لوله نفتی و گازی جدید به جای خط لوله صلح ایران نیز در آینده می تواند مشکلات اقتصادی و امنیتی زیادی برای ایران ایجاد کند و این امکان وجود دارد از حضور و نفوذ ایران و توسعه روابط ایران و افغانستان و هند و چین جلوگیری شود یا روابط آنها تضعیف گردد. لذا همانطور که بیشتر اقتصاددانان معتقدند که تجارت موتور رشد در جهان امروزی است و امکان بهره گیری از توانمندی های اقتصادی بالقوه را با توجه به مزیت های نسبی موجود به وجود می آورد، می‌بایست روابط تجاری دو کشور گسترش یابد. مطالعاتی که در خصوص رشد اقتصادی افغانستان انجام شده است نشان می دهد که در بین کشورهای همسایه، ایران بیشترین تأثیر مثبت را در رشد اقتصادی افغانستان داشته است(خاشعی، ۱۳۹۸). بنابراین، با توجه به مباحث مطرح شده، بررسی چالش ها و فرصت‌های پیش روی تجارت استان خراسان جنوبی و افغانستان در جهت بهبود روابط تجاری امری ضروری است تا بتوان با کمک نتایج حاصل از این پژوهش ها، نقاط قوت و ضعف روابط تجاری را شناسایی و راهکارهایی را در جهت کنترل نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت ارائه داد.

۳. تعریف واژگان

تجارت: تجارت در لغت به معنای خرید و فروش و نیز خریدن کالا به انگیزه فروختن آن با بهای بیشتر، همچنین به کارگیری سرمایه به منظور سود بردن، آمده است. به عبارتی، تجارت واگذاری مالکیت کالا و خدمات از کسی یا نهادی(فروشنده) به دیگری در برابر دریافت چیزی از خریدار است.

مرز: مرز یا سرحد به خط فاصله میان کشورها برای تعیین حکومت و جغرافیای سیاسی گفته می‌شود. بر اساس تعریف آخرین حد قلمرو زمینی، دریایی، هوایی و زیرزمینی هر کشور را مرز آن کشور می‌نامند.

روش SWOT: روش SWOT که در فارسی با نام تحلیل سوات هم شناخته می‌شود یکی از ابزارهای برنامه‌ریزی استراتژیک است که برای ارزیابی وضعیت داخلی و خارجی استفاده می‌شود. S، W، O و T در انگلیسی حروف اول کلمات قوت (Strength)، ضعف (Weakness)، فرصت (Opportunity) و تهدید (Threat) است.

۴. مبانی نظری

۴-۱. سازمان‌ها و نظریات مرتبط با تجارت

سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مربوط به آن یک ساز و کار تازه نیستند، بلکه از قرون گذشته این فکر وجود داشته است. اما به علت کمبود وسایل ارتباطی و عدم گسترش و تحول روابط بین‌الملل، تا قبل از قرن ۱۷ محسوس و سازمان یافته نبودند. در چین، یونان باستان، هندوستان و آثار اندیشمندان پیشین نشانه‌های وجود دارد که حاکی از تحقق عملی برخی از سازمان‌های بین‌المللی است. اگرچه نخستین نمونه‌های سازمان‌های بین‌الملل بوسیله دولت یونان ساخته شد و ایده آن در نوشتارهای افرادی چون پیردوبوا و امریک کروچه یافت می‌شود، نمونه معاصر آن در قرن نوزدهم میلادی و پس از انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئونی در قالب دیدارهای منظم سران قدرت‌های اروپایی به منظور حفظ وضع موجود و امنیت دولت‌های خود از شورش‌های داخلی با عنوان کنسرت اروپا تشکیل گردید. در واقع ضرورت اجتناب جنگ بین دولت‌ها، پیشرفت علوم و فنون، توسعه ارتباطات و پیچیده شدن فرایند مناسبات بین‌المللی دولت‌ها، بسط مناسبات تجاری-بازرگانی و بالاخره احساسات بشردوستانه مهم‌ترین دلایل ایجاد و گسترش و تقویت سازمان‌های بین‌المللی در طول قرن بیستم بوده‌اند.

پس از جنگ جهانی دوم، مذاکراتی در لندن در سال ۱۹۴۶ به ابتکار ایالات متحده آمریکا به راه انداخته شد که مقصد اصلی آن را ایجاد سازمان بین‌المللی تجارت یا ITO در کنار بانک جهانی و IMF (صندوق بین‌المللی پول) جهت تکمیل کردن نهادهای اقتصاد جهانی برتون وودز شکل می‌داد. به اضافه، گفت‌وگوهایی که در سال ۱۹۴۷ غرض نهایی ساختن اساسنامه سازمان بین‌المللی تجارت در ژنو برگزار شد، نتوانست به نتیجه مطلوب برسد. در عوض، مذاکرات جداگانه که روی کاهش تعرفه‌ها برگزار گردید، نتیجه داد و موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت توسط کشورهای اشتراک‌کننده تصویب شد. این موافقتنامه تاکنون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سنگ بنای اصلی سازمان تجارت جهانی پنداشته می‌شود. تا دهه ۱۹۷۰ روند ادغام و وابستگی اقتصادها به یکدیگر (جهانی شدن) به کندی پیش می‌رفت. اما این روند از اوایل دهه ۱۹۷۰ سرعت بیشتری به خود گرفت و در دهه ۱۹۹۰ به اوج رسید. در این راستا، سازمان تجارت جهانی، ماحصل دور طولی از مذاکرات اروگوئه است که در سال ۱۹۹۵ پس از تصویب موافقتنامه مراکش تأسیس گردید. این سازمان، یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌های بین‌المللی میان حکومتی است که جانشین GATT^۱ یا موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت شد و مهم‌ترین هدف آن را برنامه‌ریزی روی تجارت جهانی شکل می‌داد.

با نگاهی به اهداف این سازمان‌ها می‌توان دریافت که دلیل اصلی تشکیل آن‌ها به مباحث مربوط به تجارت و مبادلات کالاها و خدمات برمی‌گردد. در حقیقت، تجارت کشورها را قادر می‌سازند تا نظریات و تکنولوژی را وارد نموده،

۱ . General agreement on tariffs and trade

میزان مزیت ها و کارآمدی را تحقق بخشیده و رقابت، ابتکار و نوآوری را ارتقاء دهند، که این امر به نوبه خود رشد اقتصادی و میزان بیشتر اشتغال زائی را فراهم می سازد.

با این حال، با وجود محدودیت‌های معینی که در اکثر رهیافت‌های جهانی وجود دارد، راهبردهای متفاوتی از توسعه و تجارت اقتصادی با جهان وجود دارد. از دیدگاه والرش‌تاین بر اساس تئوری نظام جهانی، اصولاً تنها سه راهبرد از تعامل و توسعه با جهان وجود دارد؛ راهبرد بهره برداری از فرصت و موقعیت، راهبرد بهبود و ارتقا از طریق دعوت و طلب و راهبرد خوداتکایی. نخستین راهبرد از نوع کلاسیک است، تقریباً همسان با آنچه به عنوان سرمایه داری دولتی از آن سخن گفته می‌شود. این راهبرد در بر گیرنده اقدام معترضان دولت برای دگرگونی ساختار مزیت‌های نسبی با هدف تسخیر بازارهای خارجی است؛ البته همه کشورها توانایی و ظرفیت بهره گیری از فرصت و موقعیت را ندارند. راهبرد دوم، توسعه از طریق دعوت و طلب، مبتنی بر مزیت‌های نسبی موجود، همچون سطح پایین دستمزد و یک مهمان نوازی کلی (قابل مقایسه با مدل لیبرال) می باشد. بدیهی است که همه کشورها به قدر کافی مهمان نواز نخواهند بود. راهبرد سوم، خوداتکایی، با جهت گیری اش به سوی داخل و درون، از هردو راهبرد دیگر فاصله می‌گیرد. با وجود این، در عرصه نظام کنونی، مطابق با تفکر توسعه نظام جهانی این راهبرد، کمترین احتمال موفقیت را دارد. در طول دهه ۱۹۷۰ سیاست اصلی توسعه و تجارت، سیاست خود اتکایی بود (سیف و حافظیه، ۱۳۹۲). با این حال، نظریات متعددی درباره مفهوم تجارت و روابط کشورها بیان شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین این نظریات پرداخته می‌شود.^۱

۱. نظریه کلاسیک تجارت: این نظریه همسو با مکاتب فکری اقتصاددانان کلاسیک همچون آدام اسمیت و دیوید ریکاردو است. طبق این نظریه، سود یک کشور از تجارت بین المللی از تخصص و تخصیص کارآمد منابع حاصل می‌شود. این مسئله به این دلیل است که تجارت بین الملل موجب افزایش رشد فناوری و گسترش مهارت‌هایی می‌شود که به طور چشمگیری موجب بهبود بهره وری و اثربخشی فعالیت‌های اقتصادی خواهند شد (اوکنا^۲، ۲۰۲۰):

۲. نظریه تجارت مرکانتیلیست‌ها: بر مبنای این نظریه، ثروت هر کشور به میزان زیادی به تراز تجاری آن وابسته است. در ادامه این نظریه به این مسئله اشاره می‌شود که دولت نقش مهمی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند و فقط به تشویق صادرات و کاهش واردات محدود نمی‌شود. در واقع دولت باید به سمت استراتژی توسعه صادرات تغییر جهت دهد؛ زیرا این امر به طور چشمگیری در پیش بردن اهداف اقتصاد کلان کشور مؤثر واقع می‌شود. دولت می‌تواند از طریق اعمال اقدامات پولی و مالی مانند افزایش مالیات، حذف یارانه‌ها و اعمال جریمه بر کالاهای وارد شده به کشور، از واردات جلوگیری کند (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۸). طبق این نظریه، تجارت معامله‌ای یک طرفه است و هدف کشور باید براساس معاملات مازاد تنظیم شود.

^۱ . با اقتباس از مطالعه رسولی نژاد و صبری، ۱۴۰۰

^۲ . Okenna

۳. **نظریه مزیت مطلق:** این نظریه را آدام اسمیت به طور غیر مستقیم در کتاب خود با عنوان ثروت ملل در سال ۱۷۷۶م مطرح کرد. براساس این نظریه، دو کشور در صورتی از تجارت با یکدیگر منتفع می شوند که هرکدام اقدام به تولید و صادرات کالایی کنند که در آن نسبت به کشور دیگر دارای مزیت مطلق هستند و در مقابل کالایی را وارد کنند که در آن مزیت مطلق ندارند.

۴. **نظریه مزیت نسبی:** دیوید ریکاردو و در کتاب اصول اقتصاد سیاسی و وضع مالیات این نظریه را مطرح شد. ریکاردو در این نظریه به بررسی امکان شکل گیری تجارت میان دو کشور با شرایط کاملاً متفاوتی با نظریه آدام اسمیت پرداخته است. او معتقد بود چنانچه کشوری در تولید هر دو کالا دارای مزیت مطلق باشد و کشور دیگر در تولید هیچ یک از دو کالا مزیت مطلق نداشته باشد، بازهم امکان تجارت متقابلاً سودمند میان این دو کشور وجود دارد: کشور اول به تولید و صدور کالایی می پردازد که در آن مزیت مطلق بیشتری دارد (دارای مزیت نسبی است) و کشور دوم به تولید و صدور کالایی اقدام می کند که عدم مزیت مطلق کمتری دارد (دارای مزیت نسبی است).

۵. **نظریه تجارت بین المللی هکشر - اوهلین:** این نظریه را در اقتصاددان سوئدی یعنی الی هکشر و شاگردش برتیل اوهلین، در نظریه ای با عنوان نظریه وفور عوامل تولید ارائه کردند. طبق این نظریه، کشورها فقط باید آنچه را که می توانند به طور مؤثر و مازاد تولید کنند، صادر نمایند. آن‌ها به این اصل معتقدند که تجارت بین الملل با عدم تعادل منابع در جهان تعیین می‌شود و کشورها باید از این عدم تعادل منابع استفاده کنند تا نه تنها منابع سرمایه و درآمد خود را افزایش دهند، بلکه این عدم تعادل را به فرصتی برای توسعه منطقه خود تبدیل کنند. نظریه مزیت نسبی ریکاردو به وسیله نظریه هکشر - اوهلین از دو منظر مختلف توسعه یافته است: علل پیدایش مزیت نسبی و آثار تجارت بین الملل بر درآمد عوامل تولید. برخلاف نظریه مزیت نسبی دیوید ریکاردو که مبنای تجارت بین الملل بازده عامل تولید در نظر گرفته شده است، هکشر و اوهلین فراوانی عوامل تولید را عامل اصلی برقراری تجارت بین المللی تلقی می کنند و اختلاف در قیمت های نسبی کشورها را ناشی از اختلاف در فراوانی نسبی عوامل تولید می دانند (پندآزمای و همکاران، ۱۳۹۷). از طرفی لیندر به نقد نظریه هکشر-اوهلین پرداخته و معتقد است که تجارت میان کشورهایی که اقتصاد مشابه دارند و شباهت زیادی در تقاضای محصولات در دو کشور وجود دارد، بهتر تحقق می یابد و صرفاً متنوع بودن نوع اقتصاد و یا مکمل بودن اقتصاد دو کشور عامل کافی محسوب نمی‌شود. به گفته لیپسی^۱ (۱۹۶۰) از نظر لیندر تشابه سلیقه ها یکی از مهم ترین عوامل به وجود آمدن تجارت میان دو کشور و صادرات کالاهای صنعتی است؛ زیرا این تشابه گویای ظرفیت تجاری بیشتر میان دو کشور بوده و اختلاف کم درآمد سرانه بین دو کشور نیز موجب تشابه صادرات و واردات میان آن‌ها می‌شود و الگوی بهتری جهت شکل گیری تجارت بین الملل به وجود می آورد.

۶. **نظریه جدید تجارت:** ظهور این نظریه به اوایل دهه ۸۰ میلادی بازمی گردد. تحت تأثیر نظریه جدید تجارت، در سال ۱۹۸۷م پل کروگمن، برنده جایزه نوبل، مقاله ای با عنوان «آیا تجارت آزاد گذرگاه است؟» را منتشر کرد. این

^۱ . Lipsey

نظریه بر اقتصاد مقیاس و شکست بازاری به عنوان نیروهای پیش برنده تجارت بین الملل تأکید می کند. در برابر نظریه های پیشین که بر مفروضه رقابت کامل استوارند، این نظریه بر محور عقلانیت سیاست صنعتی استوار است (مدین^۱، ۲۰۱۴). درواقع کروگمن رقابت ناقص را به عنوان چارچوب این نظریه مطرح کرده است. این سیاست بر کارخانجات و صنایع خاصی متمرکز است. پیش از دهه ۸۰ میلادی، جریان اصلی نظریه تجارت بین الملل بر تجارت محصولات مختلف بین کشورهای مختلف تأکید داشت و مزیت نسبی همواره محرک اصلی تجارت بود. هرگونه انحراف از رقابت کامل نیز به این مفهوم بود که اثر عمده ای بر نتایج ارائه شده از سوی مدل ها ندارد. تحت رقابت کامل، بازار متضمن تخصیص منابع به کاراترین نحو است؛ بدین معنا که افزایش درآمد ملی از طریق حمایت از کارخانجات یا صنایع ویژه امکان پذیر نیست. بنابراین سیاست صنعتی می تواند به بهترین شکل منافع برخی بازیگران یا ذی نفعان ویژه را فراهم کند و برای جامعه به طور کلی منجر به زیان های خالص شود. از دید کارآمدی، سیاست صنعتی تنها زمانی مفهوم دارد که انحرافات از رقابت کامل وجود داشته باشد و از این رو شکست های بازاری را اصلاح نماید. نظریه تجارت سنتی منطق ضعیفی را برای سیاست صنعتی ارائه کرده و معتقد است که تجارت آزاد و عدم مداخله دولت بهترین تخصیص را از منابع فراهم می کند. به علاوه مدل های ریکاردو و هکشر-اولین قادر به تبیین تجارت درون صنعتی نیست.

در نظریه جدید تجارت دو لایه وجود دارد: لایه اول بر رقابت ناقص و تعامل راهبردی تأکید داشته و در آن بر اقتصاد مقیاس در سطح کارخانه به صورت انفرادی تأکید می شود و لایه دوم بر ذی نفعان خارجی موثر و بر اقتصادهای مقیاس در سطح صنعتی تأکید دارد. ایده هر دو لایه این است که برخی کارخانجات یا صنایع به طور انحصاری برای جامعه سود و منفعت بسیاری تولید می کنند که این منافع معمولاً در بخش خصوصی وجود ندارد. همچنین سیاست صنعتی از طریق کمک به کارخانجات داخلی برای به دست آوردن قدرت بازار در خارج از کشور و یا از طریق تشویق ایجاد صنایع با ذینفعان خارجی مؤثر می تواند سبب افزایش درآمد ملی شود. به طور کلی می توان گفت نظریه جدید تجارت بر این سه موضوع تأکید می کند: ۱. نرخ بازده فزاینده؛ ۲. رقابت ناقص؛ ۳. محصولات متمایز (کاتر^۲، ۲۰۱۰).

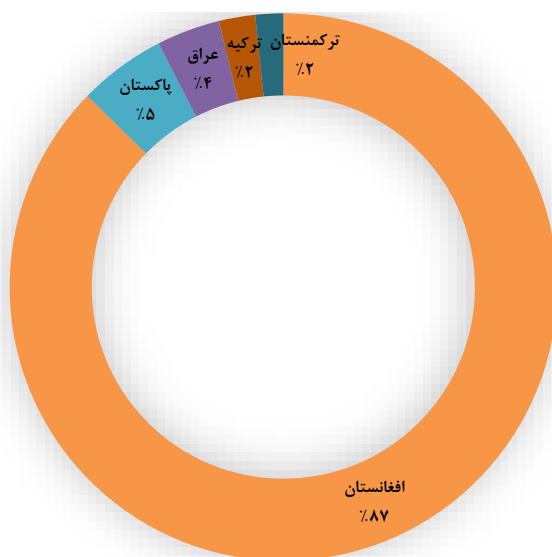
۴-۲. روابط اقتصادی-تجاری استان خراسان جنوبی و افغانستان

در اواخر دهه ی ۱۹۷۰ میلادی، با وقوع انقلاب اسلامی ایران، جنگ تحمیلی و اشغال افغانستان، اقتصاد داخلی و روابط اقتصادی دو کشور آسیب فراوانی دید؛ به عنوان مثال، در دهه ۱۹۸۰ میلادی، عامل نخست بازدارنده های جذب سرمایه گذاری خارجی در ایران، نبود امنیت اقتصادی تلقی می شد. همچنین، اشغال افغانستان بزرگ ترین آسیب را بر اقتصاد این کشور در قرن بیستم وارد ساخت. تلاش آمریکا برای ویتنامی کردن افغانستان جهت انتقام از شوروی در دهه ۱۹۸۰م. باعث شد تا این جنگ به مدت ده سال به درازا کشیده شود. بدین صورت رقابت های سطح جهانی به شیوه نظامی گری توانست منبع قدرتمند تهدید برای کشورهای منطقه تلقی شود. عدم دسترسی افغانستان به آبهای آزاد، وقوع جنگ ها، عدم زیرساخت های اقتصادی، سهم اندک صنعت در اقتصاد، نرخ بازدهی پائین کشاورزی و

^۱ . Medin

^۲ . Carter

بسیاری از موارد دیگر باعث گردیده که این کشور در تجارت و بازرگانی بیشتر به همسایه های خود از جمله ایران و پاکستان متکی باشد. از طرفی، اشتراکات فرهنگی افغانستان و ایران (بطور خاص استان خراسان جنوبی) از دیگر مسایل است که در گسترش تجارت دو کشور تأثیر گذاشته است (مهرگان و همکاران، ۱۴۰۱). اگر روند تجارت استان را بررسی نماییم خواهیم دید که کشور افغانستان با ۸۷ درصد سهم ارزشی کالاهای صادراتی استان، بعنوان اولین و بزرگترین بازار هدف صادراتی استان در سال گذشته یعنی سال ۱۴۰۱ با ارزش صادرات ۹۹,۴۵۰ هزار دلار به وزن ۷۱۶,۹۹۲ تن بوده است. کشور پاکستان دومین بازار هدف صادراتی استان با ۵ درصد، عراق با ۴ درصد سومین، ترکیه با ۲ درصد چهارمین و ترکمنستان با ۲ درصد پنجمین مقصد صادراتی استان در سال ۱۴۰۱ بوده اند. نمودار زیر سهم ارزشی کالاهای صادراتی استان را نشان می دهد.



نمودار ۱) سهم ارزشی صادرات به کشورهای هدف صادراتی استان

ماخذ: اداره کل گمرکات استان

بیشترین میزان ارزش صادرات به تفکیک گروه کالایی در این سال مربوط به محصولات معدنی به ارزش ۶۰,۴۲۱ هزار دلار و وزن ۶۸,۵۱۶۰ تن، محصولات نباتی به ارزش ۵۲,۱۰۷ هزار دلار و وزن ۵۱,۰۸۲ تن بوده است.

۵. مطالعات و پیشنهاد تحقیق

مهرگان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر تحریمهای اقتصادی بر مبادلات تجاری ایران و افغانستان پرداختند. یافتههای پژوهش نشان داد که وضع هرگونه تحریم اقتصادی باعث شده است که در بلند مدت تجارت میان ایران و افغانستان افزایش یابد. صادقی شاهدانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی دریافتند که باتوجه به تأثیرپذیری سازمان تجارت جهانی از کشورهای توسعه یافته، در برقراری روابط تجاری عادلانه و مؤثر ناکارآمد بوده ولی با توجه به برخی سیاستها و قوانین منعطف، می توان هزینه ها را به حداقل رساند. ضیایی و صلحی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی بیان می دارند که عواملی همچون موانع فنی، از جمله موانع غیر تعرفه ای است که اگر قاعده مند نباشد و از اصول رایج بین المللی تبعیت نکنند هزینه تجارت را افزایش داده و به کاهش رقابت پذیری صادراتی کشورها می

انجامد. وره‌رامی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان می‌دهد عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی اثر مثبتی بر صادرات گاز طبیعی این کشور به مقاصد صادراتی منتخب دارد.

یوسف زهی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با رهیافت اقتصاد سیاسی به مطالعه تاریخی روابط خارجی دو کشور ایران و افغانستان و بررسی مهم‌ترین چالش‌های سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار در روابط بازرگانی ایران و افغانستان پرداختند. یافته‌های مقاله نشان داد که سازمان‌های منطقه‌ای اقتصادی نظیر اکو، نتوانسته‌اند در گسترش روابط اقتصادی ایران و افغانستان نقش بسزایی ایفا کنند. یوسف زهی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی جایگاه خراسان جنوبی در اقتصاد شرقی ایران با تأکید بر روابط با افغانستان پرداختند. نتایج نشان داد که اگرچه تعاملات بازرگانی کشور با همسایگان شرق متأثر از گفتمان غرب بوده است، برآیندها گویای کارایی نقش فراملی خراسان جنوبی در پیش درآمدی اقتصاد منطقه‌ای شرق و با محوریت ایران و افغانستان است. رونق اقتصاد شرق نقش بسزایی در توسعه پایدار این استان خواهد داشت. اخلاقی (۱۳۹۵) در مقاله خود بیان داشته که امروز روند جهانی شدن به صورت عمومی و خصوصی به یکی از موضوعات بحث برانگیز، پیچیده و در عین حال مشکل‌آفرین تبدیل و منجر به ایجاد دو دیدگاه در این زمینه شده است؛ یکی نگرش بدبینانه به جهان گرایی به عنوان نظریه‌ای تحمیلی و دیگری نگاهی خوش‌بینانه به عنوان فرایندی تعمیمی و مکمل در اقتصاد است.

جویان (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی و نقش آن بر توسعه اقتصادی افغانستان پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که عضویت افغانستان در این سازمان وضعیت اقتصادی و تجارت و سرمایه‌گذاری در افغانستان را بهبود خواهد بخشید لطفی (۱۳۹۴) به تحلیل ژئوپلیتیکی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در روابط دوجانبه ایران و افغانستان پرداخت. سیف و حافظیه (۱۳۹۲) به بررسی این موضوع پرداختند که چه راهبردهایی در تجارت بین‌الملل برای جمهوری اسلامی ایران مناسب است که هم آرمانها و اهداف خود را حفظ کند و هم بتواند با تهدیدها اقتصادی ناشی از تحریم مقابله کند.

عباسی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی عناصر ژئوپلیتیکی در سطح روابط دوجانبه ایران و افغانستان و تهدیدات و فرصت‌های ناشی از آن پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، در ژئوپلیتیک رادیکال، منطق رفتار ایران و افغانستان در چارچوب منطق ژئوپلیتیکی و منطق ژئواکونومیکی تعیین می‌گردد. این دو منطق موجب همکاری در سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی گردیده است. عباسی و رنجبردار (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان می‌دهد استراتژی خاصی بر تخصیص این کمک‌های حاکم بوده و کمک‌های ایران نیز ضمن کمک به بازسازی افغانستان، باعث شکل دهی به زیرساخت‌های روابط دو کشور، افزایش حجم مبادلات و سرمایه‌گذاری‌های فیما بین، فراملی شدن شرکت‌های ایرانی و کسب تجربه ناشی از حضور در بازسازی یک کشور خارجی شده است. سینایی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی ضرورت تحول در رویکردهای سنتی به مقوله آب و امنیت برای جلوگیری اختلاف و منازعه کشورهای منطقه و ارائه راهکارهایی برای توسعه همکاری‌ها بین سه کشور ایران، افغانستان و ترکمنستان پرداخت. خجسته

نیا(۱۳۸۹) به بررسی ارتباط حمل و نقل ایران و افغانستان و درآمدهای مرتبط با ای موضوع در همکاریهای منطقه ای می پردازند.

۶. روش تحقیق

در این پژوهش برای بررسی عوامل اثرگذار بر مناطق مرزی از مدل SWOT استفاده گردید. مدل SWOT ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی های درونی سازمان است. پایه و اساس این ابزار کارآمد در مدیریت استراتژیک و همین طور بازاریابی شناخت محیط پیرامونی سازمان است. SWOT سرواژه عبارات قوتها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها است. تحلیل SWOT برای اولین بار در سال ۱۹۵۰ توسط دو فارغ التحصیل مدرسه بازرگانی هاروارد به نامهای جورج البرت اسمیت و رولند کریستنسن مطرح شد. این ماتریس یکی از ابزارهای مهمی است که مدیران بدان وسیله اطلاعات حاصل از ارزیابی عوامل خارجی و داخلی را مقایسه مینمایند و میتوانند با استفاده از آن ها استراتژیهای چهارگانه WT، WO، ST و SO را تدوین نمایند (استراتژی SO، ST، WO، WT به ترتیب بیانگر استراتژی تهاجمی، رقابتی، محافظه کارانه و تدافعی است). تحلیل SWOT خلاصه ای از مهم ترین عوامل داخلی و خارجی است که بیشترین تأثیر در موفقیت آینده سازمان دارد. روش تجزیه و تحلیل SWOT مدل تحلیلی مختصر و مفیدی است که شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها را شناسایی کرده و استراتژی های متناسب به موقعیت کنونی حرفه مورد بررسی را منعکس می سازد این مدل مبتنی بر رویکرد خط مشی هاروارد طراحی گردیده است. دلیل انتخاب این مدل سادگی و انعطاف پذیری آن در پاسخگویی به مقیاسهای مختلف از تصمیم گیریهای فردی تا مثلاً راهبرد توسعه صنعتی یک کشور است. شاید همین ویژگی، توجیه کننده گستردگی کاربرد و فراگیر شدن آن باشد.

۷. نتایج پژوهش

با مطالعات و تحقیقات میدانی انجام شده مهم ترین عوامل اثرگذار بر نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها مناطق مرزی استان به شرح جداول زیر می باشد.

الف) نقاط قوت

جدول (۱) ماتریس عوامل داخلی نقاط قوت

نقاط قوت	ضریب اولیه	ضریب تعدیل شده	رتبه	ضریب نهایی
قرار گرفتن استان در کریدور شمال – جنوب و شرق به غرب(قرار گرفتن استان در مرکز ثقل محور ترانزیتی شرق ایران و استقرار استان در مسیر بزرگراه های آسیایی)	۰.۸	۰.۱۰	۴	۰.۳۸
مرز مشترک ۳۳۱ کیلومتری با کشور افغانستان	۰.۶	۰.۰۷	۳	۰.۲۱
وجود روابط قومی، زبانی و فرهنگی نسبتاً نزدیک بین ایران و افغانستان	۰.۶	۰.۰۷	۲	۰.۱۴
رتبه برتر در تعداد معادن استان های کشور و بالاترین میزان تنوع معدنی در سطح کشور	۰.۹	۰.۱۱	۴	۰.۴۳
رتبه اول کشوری و جهانی در تولید زرشک و عناب و رتبه دوم کشوری در تولید زعفران و دارای رتبه برتر در سایر محصولات کشاورزی مانند گیاهان دارویی، پسته و غیره.	۰.۹	۰.۱۱	۴	۰.۴۳
تنوع تولیدات در صنایع دستی استان از جمله انواع پارچه های سنتی، گلیم و سفره آردی، جاجیم و محصولات تکمیلی، رودوزی های سنتی، سبدهافی، قالی و قالیچه و غیره.	۰.۵	۰.۰۶	۲	۰.۱۲
وجود مراکز علمی، دانشگاهی، پژوهشی، آزمایشگاهی، آموزشی در استان	۰.۵	۰.۰۶	۱	۰.۰۶
دارا بودن ۲ گمرک رسمی به نام های گمرک بیرجند و گمرک ماهیرود و ۴ بازارچه مرزی به نام های ماهیرود، گلورده، یزدان و دو کوهانه.	۰.۸	۰.۱۰	۴	۰.۳۸
وجود منطقه ویژه اقتصادی در شهرستان بیرجند با ۷۳۰ هکتار در مرکز استان و ۱۰۰ هکتار در مرز ایران و افغانستان (قطعه منفصله ماهیرود)	۰.۷	۰.۰۸	۳	۰.۲۵
امنیت بالای مناطق مرزی برای تجارت	۰.۸	۰.۱۰	۳	۰.۲۹
وجود تعاونی های مرزنشین به منظور حمایت از آنان	۰.۷	۰.۰۸	۳	۰.۲۵
وجود دفتر نمایندگی وزارت خارجه در استان و امکان استفاده از مزایای آن	۰.۶	۰.۰۷	۲	۰.۱۴
جمع	۸.۴	۱	۳۵	۳.۰۸

منبع: محاسبات محقق

ب) نقاط ضعف

جدول ۲) ماتریس عوامل داخلی نقاط ضعف

نقاط ضعف	ضرب اولیه	ضرب تعدیل شده	رتبه	ضرب نهایی
ضعف زیرساختی و سیستم حمل و نقل و زیربنای ارتباطی استان	۱	۰.۱۰	۴	۰.۳۹
تغییر مستمر سیاستهای مرتبط با تجارت خارجی در کشور افغانستان به دلیل بی ثباتی سیاسی و تغییرات زیاد حکمرانی در این کشور	۰.۷	۰.۰۷	۳	۰.۲۰
تعطیلی بازارچه های مرزی توسط کشور افغانستان	۰.۷	۰.۰۷	۳	۰.۲۰
ضعف برندسازی، تبلیغات و بازاریابی برای برخی کالاهای صادراتی	۰.۵	۰.۰۵	۲	۰.۱۰
عدم توجه به سلیقه مصرف کننده در تولید کالا	۰.۵	۰.۰۵	۲	۰.۱۰
وجود قوانین دست و پاگیر فراوان در حوزه تجارت خارجی	۰.۶	۰.۰۶	۲	۰.۱۲
فقدان راه ارتباطی مناسب در مسیر بازارچه ها به داخل افغانستان در این کشور	۰.۵	۰.۰۵	۳	۰.۱۵
وجود تحریم و اعمال فشار آمریکا به کشور افغانستان در جهت محدود کردن تجارت	۰.۶	۰.۰۶	۲	۰.۱۲
کاهش شدید نرخ رشد جمعیت در شهرستان های مرزی استان	۰.۷	۰.۰۷	۳	۰.۲۰
افزایش هزینه های تجار و کاهش سود اقتصادی به دلیل پرداخت وجوه غیرقانونی برای مبادله و تردد کالا	۰.۴	۰.۰۴	۲	۰.۰۸
کمبود نیروی خلاق و کارآفرین در استان مخصوصا در بخش مرزی	۰.۷	۰.۰۷	۳	۰.۲۰
دور بودن نقاط مرزی استان از مراکز با امکانات رفاهی بالاتر	۰.۶	۰.۰۶	۲	۰.۱۲
عدم حضور مأمورین قانونی گمرک افغانی در بازارچه های مرزی	۰.۴	۰.۰۴	۳	۰.۱۲
افزایش مهاجرت از روستاها و مناطق مرزی به مرکز استان و سایر استان ها	۰.۷	۰.۰۷	۳	۰.۲۰
نگاه امنیتی به مناطق مرزی	۰.۹	۰.۰۹	۴	۰.۳۵
عدم تطابق برنامه ها و سیاستهای مرزی با منابع اعتباری تخصیص یافته	۰.۸	۰.۰۸	۳	۰.۲۳
جمع	۱۰.۳	۱	۴۴	۲.۸۷

منبع: محاسبات محقق

ج) فرصت‌ها

جدول ۳) ماتریس عوامل خارجی فرصت‌ها

فرصت	ضریب اولیه	ضریب تعدیل شده	رتبه	ضریب نهایی
ایجاد پتانسیل مناسب برای تولید انرژی‌های نو به دلیل وجود زمینه مناسب اقلیمی و تابش آفتاب و باد در بیشتر مناطق و در اکثر فصول سال	۰.۶	۰.۰۸	۳	۰.۲۴
بازار مصرف بالقوه محصولات صادراتی در افغانستان	۰.۷	۰.۰۹	۴	۰.۳۸
امکان استفاده از ظرفیت افغانستان به عنوان عضوی از سازمان تجارت جهانی	۰.۷	۰.۰۹	۳	۰.۲۸
امکان تولید بالای محصولات دامی در این مناطق و تامین تقاضای داخلی	۰.۸	۰.۱۱	۳	۰.۳۲
تاکید بر استفاده از ظرفیت مناطق مرزی در برنامه های توسعه ای و اسناد بالادستی	۰.۷	۰.۰۹	۲	۰.۱۹
امکان واردات برخی کالاها از کشور افغانستان در جهت دور زدن تحریمها؛ با توجه به شرایط فعلی این کشور و عدم امکان تحریم آنان توسط آمریکا	۰.۸	۰.۱۱	۳	۰.۳۲
امکان افزایش درآمد و قدرت خرید مرزنشینان از طریق توسعه تجارت و رونق اقتصادی مناطق مرزی	۰.۹	۰.۱۲	۴	۰.۴۹
امکان استفاده از ظرفیت های تجاری کشورهای آسیای میانه و مرکزی	۰.۸	۰.۱۱	۳	۰.۳۲
مزیت نسبی در تولید صنایع دستی خاص مانند فرش دستباف و گلیم و برخی محصولات کشاورزی خاص (زرشک - زعفران - عناب - گیاهان دارویی و ...)	۰.۶	۰.۰۸	۳	۰.۲۴
بهره مندی از منابع غنی معدنی و کانی های غیر فلزی	۰.۸	۰.۱۱	۳	۰.۳۲
جمع	۷.۴	۱	۳۱	۳.۱۲

منبع: محاسبات محقق

د) تهدیدها

جدول ۴) ماتریس عوامل خارجی تهدیدها

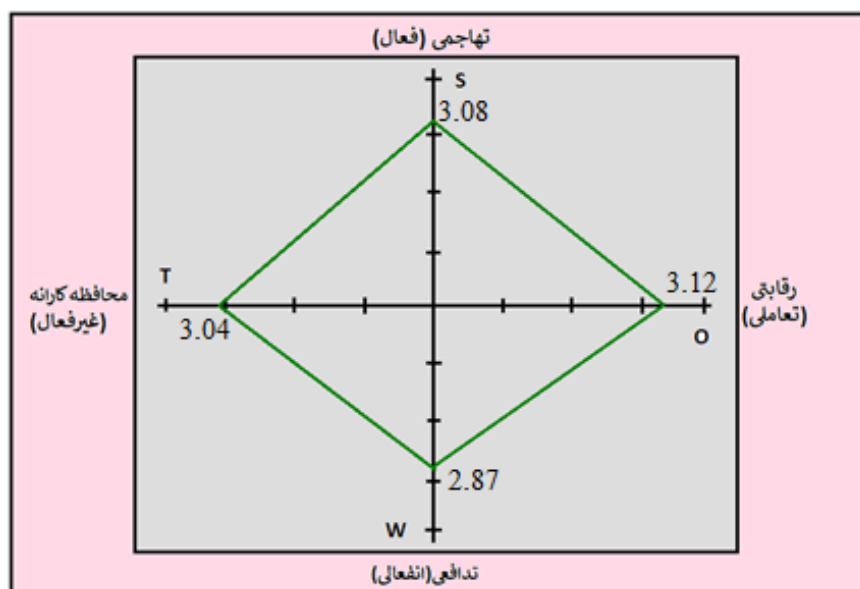
تهدیدها	ضرب اولیه	ضرب تعدیل شده	رتبه	ضرب نهایی
شرایط اقلیمی نامناسب، وجود خشکسالی در سالیان متوالی و بروز بحران کم آبی و افزایش مهاجرتها	۰.۹	۰.۱۰	۳	۰.۲۹
تشدید فرسایش بادی و آبی حاکم در اراضی بیابانی و پیشروی آن به اراضی مستعد کشاورزی	۰.۷	۰.۰۸	۳	۰.۲۳
بالا بودن ریسک سرمایه گذاری به دلیل متغیر بودن شرایط (قوانین و مقررات و ...)	۰.۸	۰.۰۹	۳	۰.۲۶
افزایش ریسک سرمایه گذاری به دلیل بالابودن هزینه های اجرایی و افزایش هزینه های سربار به علت دوری از مرکز خرید مواد اولیه و فروش محصول نهایی	۰.۸	۰.۰۹	۳	۰.۲۶
هزینه بالای توسعه زیرساخت ها به دلیل وسعت بالای استان و پراکندگی کانون های زیستی و مراکز جمعیتی	۰.۹	۰.۱۰	۴	۰.۳۹
گسترش و توسعه کشت محصول زعفران در کشور افغانستان و محصولات مشابه مزیت دار ایران بالاخص خراسان جنوبی در این کشور	۰.۷	۰.۰۸	۲	۰.۱۵
عدم رغبت سرمایه گذاران خارجی و داخلی برای حضور و گاهای حتی بررسی ظرفیت ها و فرصت های استان به دلیل عدم وجود حمل و نقل ریلی و محدودیت پروازی در حمل و نقل هوایی	۰.۸	۰.۰۹	۳	۰.۲۶
گاهای ایجاد ناامنی در کشور افغانستان و قاچاق گسترده سوخت	۰.۷	۰.۰۸	۳	۰.۲۳
قرار گرفتن در مسیر بین المللی مواد مخدر و قاچاق کالا	۰.۶	۰.۰۶	۳	۰.۱۹
حرکت توده های شن روان- وجود سیلابهای فصلی و فرسایش شدیدی آبی و بادی خاک در مناطقی از استان	۰.۷	۰.۰۸	۲	۰.۱۵
انزوای جغرافیایی و دوری از مراکز عمده تولید توزیع و بازارهای مصرف همچنین مراکز تصمیم گیری ملی	۰.۸	۰.۰۹	۳	۰.۲۶
وجود کمیته ها و کمیسیون های موازی، اضافی و زائد مرتبط با مسائل سرمایه گذاری در درون دستگاه ها.	۰.۹	۰.۱۰	۴	۰.۳۹
جمع	۹.۳	۱	۳۶	۳.۰۴

منبع: محاسبات محقق

به منظور ارائه دید بهتر نسبت یافته های فوق عدد نهایی در نمودار زیر ارائه گردیده است. در این نمودار نمره نهایی شاخص نقاط قوت ۳.۰۸، نقاط ضعف ۲.۸۷، فرصت ها ۳.۱۲ و تهدیدها ۳.۰۴ به دست آمده است که با توجه به بالا بودن عدد مربوط به نقاط فرصت و قوت (عدد ۳.۱۲ و ۳.۰۸) رویکرد فعلی نسبت به مناطق مرزی یک رویکرد

SO (تهاجمی) می باشد. در این رویکرد با توجه به مبانی نظری مدل SWOT آنچه باید برای آن برنامه ریزی گردد تقویت نقاط قوت و در عین حال استفاده بهینه از فرصت‌های موجود در مناطق مرزی استان خراسان جنوبی می باشد^۱.

نمودار ۲) وضعیت راهبردی استان خراسان جنوبی در مناطق مرزی



منبع: محاسبات محقق

۸. نتیجه گیری و ارائه توصیه های سیاستی

اقتصاد مناطق مرزی می تواند نقشی اساسی در ترقی و پیشرفت توسعه اقتصادی نواحی مرزی بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد ایجاد روابط دوستی و آشنایی بیشتر، تسریع همکاری های بیشتر بین نواحی مرزی داشته باشند. با این حال، علیرغم وجود ظرفیت‌ها و توانایی‌های موجود در مناطق مرزی استان خراسان جنوبی، هنوز از کلیه پتانسیل‌های این منطقه استفاده نگردیده است و ظرفیت‌های اقتصادی زیادی خالی مانده است. این در حالی است که در صورت بی توجهی به نواحی مرزی شاهد چالش‌های عمده ای مانند تخلیه مناطق مرزی از جمعیت و ضعف امنیت خواهیم شد. از این رو هدف این پژوهش بررسی شرایط اقتصادی مناطق مرزی خراسان جنوبی بود. بدین منظور، برای استخراج عوامل داخلی و خارجی اثرگذار بر وضعیت مناطق مرزی، از مدل SWOT استفاده گردید. بر این اساس، ابتدا نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها مناطق مرزی شناسایی و سپس به کمک ماتریس SWOT رتبه بندی و استراتژی برتر شناسایی شد. نتایج پژوهش نشان داد که نمره نهایی شاخص نقاط قوت ۳.۰۸، نقاط ضعف ۲.۸۷، فرصت‌ها ۳.۱۲ و تهدیدها ۳.۰۴ به دست آمده است که با توجه به بالا بودن عدد مربوط به نقاط فرصت و قوت (عدد ۳.۱۲ و ۳.۰۸) رویکرد فعلی نسبت به مناطق مرزی یک رویکرد SO (تهاجمی) می باشد. با توجه به این رویکرد آنچه که باید برای آن برنامه ریزی گردد تقویت نقاط قوت و در عین حال استفاده بهینه از فرصت‌های موجود در مناطق مرزی استان خراسان جنوبی می باشد. در ادامه، بر اساس نتایج حاصله، برای هر استراتژی پیشنهادهایی در جهت بهبود شرایط اقتصادی مناطق مرزی استان خراسان جنوبی به شرح ذیل ارائه گردیده است:

۱. استراتژی SO، ST، WO، WT به ترتیب بیانگر استراتژی تهاجمی، رقابتی، محافظه کارانه و تدافعی است.

نمودار ۳) استراتژی‌های نهایی برنامه ریزی برای توسعه مناطق مرزی استان خراسان جنوبی با توجه به مدل

SWOT



- پیگیری استراتژی تنوع صادراتی در تجارت خارجی با ایجاد گمرکات تخصصی زرشک، زعفران، عناب و غیره در استان
- تفویض اختیار کامل صدور گواهی حفظ نباتات دو محصول زرشک و عناب به استان؛
- استراتژی توسعه بازارهای هدف صادراتی جدید با کشورهای CIS^۱، آسیای جنوبی و کشورهای حاشیه خلیج فارس.
- توسعه کریدور شرق کشور و سرمایه‌گذاری از طریق جذب سرمایه‌گذاری در حوزه تیر پارک ها و مجتمع های خدماتی و رفاهی برای افزایش ظرفیت ترانزیت از استان به کشور هدف صادراتی
- تامین منابع مالی لازم سرمایه‌گذاری در حوزه های نوسازی و دوبانده سازی راه های مواصلاتی استان و اجرای ایستگاه های راه آهن و خطوط فرعی و سرمایه‌گذاری در صنایع جوار ریلی شرق کشور
- توسعه توریسم سلامت در استان و مجتمع خدمات رفاهی در مناطق مرزی
- توسعه صدور خدمات فنی و مهندسی و پشتیبانی به کشور افغانستان
- توسعه سرمایه‌گذاری مشترک خارجی در حوزه فرآوری مواد معدنی و ساختمانی و محصولات کشاورزی و صادرات مجدد آنها در منطقه ویژه اقتصادی و گمرک ماهیرود
- انعقاد موافقت نامه کشت فراسرزمینی محصولات کشاورزی با کشور افغانستان
- توانمندسازی واحدهای تولید و صادراتی استان از طریق آموزش و بهره برداری از تجربه بازرگانان و تجار موفق در این زمینه

منابع و مآخذ

- اخلاقی، بهروز (۱۳۸۵). آثار حقوقی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی. مجله کانون وکلا، شماره ۱۹۴ و ۱۹۵؛ صفحات ۱۹۵-۲۱۲.
- پندآزمای سارا، جلالی اسفند آبادی سید عبدالمجید، زاینده رودی محسن. (۱۳۹۷). تحلیل نظریه هکشر-اوهلین در تجارت خارجی ایران و آلمان (رهیافت الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه). مدل سازی اقتصادی، ۱۲ (۳ (پیاپی ۴۳))، ۱۳۹-۱۶۱.
- جویان، محمدعلی، (۱۳۹۵)، عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی و نقش آن بر توسعه اقتصادی افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ثبت: LP۴۲۶۸.
- خاشعی، یوسف (۱۳۹۸)، همگرایی رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای همسایه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، گرایش اقتصاد اسلامی، دانشگاه بین المللی اهلیت تهران.
- خجسته نیا، حسین، (۱۳۸۹)، ایران-افغانستان، ارتباط ریلی؛ درآمدی بر سازوکار حمل و نقل چندوجهی برای همکاری منطقه ای، روابط خارجی، دوره ۲، شماره ۵؛ از صفحه ۱۵۵ تا صفحه ۱۹۶.

۱. کشورهای مستقل مشترک المنافع یا اتحادیه کشورهای مستقل همسود (به اختصار C.I.S (Commonwealth of independent States))

سیف، اله مراد و حافظیه، علی اکبر، (۱۳۹۲)، راهبردهای تجارت بین الملل اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۶، شماره ۶۰ صفحه ۱۸۳-۲۱۶.

سینایی، وحید، (۱۳۹۰)، هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری های آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان، روابط خارجی، دوره ۳، شماره ۱۰؛ از صفحه ۱۸۵ تا صفحه ۲۱۱.

صادقی شاهدانی، مهدی، کارگر، امیر و جوانجعفری، علی، (۱۴۰۰)، تعامل سازنده سازمان تجارت جهانی با کشورهای در حال توسعه، سازمان های بین المللی، سال ۴، شماره ۳.

ضیایی بیگدلی، صادق و صلحی، احسان (۱۳۹۹). موانع فنی تجارت خارجی در ایران در پر تو حقوق سازمان تجارت جهانی. نشریه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۲۱، شماره ۶۶ صفحه ۱۸۱-۲۱۱

عباسی، ابراهیم، (۱۳۹۱)، عناصر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک محلی در توسعه روابط دو جانبه ایران و افغانستان، ژئوپلیتیک، دوره ۸، شماره ۳ (پیاپی ۲۷)؛ از صفحه ۱۸۲ تا صفحه ۲۱۵.

عباسی، ابراهیم و رنجبردار، مجید، (۱۳۹۰)، کمک های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن، روابط خارجی، دوره ۳، شماره ۱۱؛ از صفحه ۱۹۵ تا صفحه ۲۲۹.

عباسیان مجتبی، سردار شهرکی علی، هاشمی تبار محمود (۱۳۹۸). ارتباط توسعه مالی و تجارت بین الملل در کشورهای منتخب چشم انداز ۱۴۰۴. سیاست های راهبردی و کلان؛ ۷(۳): ۳۹۶-۴۰۸.

لطفی، حیدر، (۱۳۹۴)، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط افغانستان و ایران؛ چالش ها و فرصت ها، پژوهشنامه خراسان بزرگ، دوره ۶، شماره ۱۹؛ از صفحه ۵۷ تا صفحه ۷۵.

مهرگان نادر، غفاری فرد محمد، کاظمی سید مرتضی (۱۴۰۱). نقش تحریم های اقتصادی در تجارت بین ایران و افغانستان. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. ۱۱ (۳۸): ۲۵۷-۲۸۱.

ورهرامی، ویدا، عرب مازار، عباس و رئوف، ژاله، (۱۳۹۸)، بررسی اثر الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) بر وضعیت صادرات گاز طبیعی ایران، مجلس و راهبرد، دوره ۲۶، شماره ۹۹؛ از صفحه ۲۷۷ تا صفحه ۳۰۲.

یوسف زهی، ناصر، فرزانه پور، حسین و بخشی، احمد، (۱۳۹۷)، آسیب شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۱۸-۲۰۰۱)، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۳، شماره ۲ (۵۰)؛ از صفحه ۱۸۷ تا صفحه ۲۲۴.

یوسف زهی، ناصر، فرزانه پور، حسین و بخشی، احمد، (۱۳۹۷)، جایگاه جغرافیای اقتصادی خراسان جنوبی در نمود ایده ی «اقتصاد شرقی ایران» (با تاکید بر افغانستان)، پژوهشهای جغرافیای سیاسی، دوره ۳، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)؛ از صفحه ۶۹ تا صفحه ۱۰۰.

Carter, C. A. (۲۰۱۰). ۱ new trade theory. ۲ political economy of trade policy. Lecture presented, Albania, ۲۰۱۸, Received from: https://www.slideserve.com/Pat_Xavi/۱-new-trade-theory-۲-political-economy-of-trade-policy (Accessed on: ۲۵/۰۴/۲۰۲۱).

Lipsey, R. G. (۱۹۶۰). The theory of customs unions: a general survey. The Economic Journal, ۷۰ (۲۷۹), ۴۹۶-۵۱۳.

Medin, H. (୨୦୧୫). New trade theory: implications for industrial policy. Norwegian Institute of International Affairs, working paper ୧୩୪. Received from: <https://pdfs.semanticscholar.org/୪୦b୩/୪୪c୫୦bdd୮୮a୪ae୦c୦୦୦fd୮cb୪ad୮୩a୪୪୮୮f୮.pdf> (Accessed on: ୨୫/୦୫/୨୦୨୧).

Okenna, N. P. (୨୦୨୦). The importance of international trade to the economies of developing countries. *International Journal of Economics and Management Science*, ୩(୦), ୧-୦.